

رفتارشناسی محقق نائینی در مسأله

محقق نائینی - با اشاره نزدیک به صراحت! - روایات دال بر تخییر و توقف را ناظر به فرض تکافؤ دو طرف تعارض - در مقابل مرجح داشتن یکی بر دیگری - می‌داند.¹

بین روایات دال بر تخییر مطلقا و دال بر تخییر در زمان حضور هم چون مثبتین هستند تعارضی حتی بدوی نمی‌بیند؛ پس قاعده لزوم تقييد مطلق به مقید جاری نمی‌شود. همچنین بین روایات دال بر توقف مطلقا و دال بر توقف در زمان حضور.² البته ایشان قبل از این بیان، فرموده است: «لم اقف علی روایة تدل علی التوقف مطلقا حتی فی زمان الغیبة و لکن حکمی ما یدل علی ذلک ایضا».³

قهرا در کلام فوق، بر فرض وجود چنین روایتی، بحث می‌کند. وی سپس به حل تعارض اخبار دال بر توقف و تخییر می‌پردازد که با توجه به اختلال در بیان⁴ وی (به نظر ما) از نقل و نقد آن پرهیز می‌کنیم و به نتیجه آن اشاره می‌کنیم که می‌گوید: «تكون النتيجة هي التخییر فی زمان الغیبة - كما علیه المشهور - و لا وجه للقول بالتوقف او الاخذ بما یوافق الاحتیاط».⁵ وی روایت دال بر لزوم اخذ به روایت موافق احتیاط را ضعیف السند و غیر معمول بها میدانند؛ از این رو بر گزینه تخییر تاکید می‌ورزد. بله، در زمان حضور باید توقف کرد.⁶

ایشان در تعامل بین اخبار تخییر و ترجیح، رابطه مطلق و مقید برقرار می‌کند، اخبار ترجیح را مقدم می‌شمارد و قول به استحباب ترجیح را ضعیف می‌شمارد.⁷ وی در کلامی مستقل از ترتیب مرجحات صحبت می‌کند و خود را در این مبحث - بر عکس شیخ انصاری - درگیر جمع بین اخبار نمی‌کند.⁸ داوری ما نسبت به رفتار ایشان در مجال حاضر، به همان نحوی است که در رفتارهای پیشین صادر شده از محقق خراسانی و شیخ انصاری. قدس سرهما. صورت گرفت.

1. نک: فوائد الاصول، ج 4، ص 763.

2. همان، ص 764.

3. همان.

4. آن جا که می‌فرماید: «ان التعارض بین ما دل علی التوقف و التخییر مطلقا یكون بالعموم من وجه» (همان)، با این که اگر منظور وی توقف مطلق و تخییر مطلق است که نسبت تباین است و چنان چه توقف مقید و تخییر مطلق مراد باشد، نسبت عام و خاص مطلق است؛ بر این بنیان ادامه سخنان وی نیز در ضبوق و شداد قرار می‌گیرد.

5. همان، ص 765.

6. همان.

7. همان، ص 770.

8. همان، از ص 779.

رفتار محقق عراقی

محقق عراقی روایات دال بر احتیاط و توقف را نسبت به ادله تخییر اخص می‌داند (چون اختصاص به فرض امکان احتیاط دارد) و - بالطبع - باید قانون تقييد را جاری و مطلقات تخییر را حمل بر فرض عدم امکان احتیاط کرد لکن این قاعده را در مقام نمی‌پذیرد و در ادامه می‌فرماید:

«و لکن بعد اباء تلك المطلقات عن هذا الحمل و عدم القول به من الاصحاب لا بد من حمل ما دل على التوقف في العمل على الاستحباب».⁹

نکته قابل عنایت در کلام ایشان نسبت عدم قول به لزوم توقف و احتیاط حتی در فرض امکان احتیاط به «اصحاب» است. نسبتی که اثبات آن، آسان نیست و رفتارهای معمول در دوران های معاصر و پیوسته به آنها مبرر این ادعای عام نیست. ایشان در ادامه رفتار خویش نسبت به اخذ به مرجحات تفصیل می‌دهد! و تنها دو مرجح یعنی موافقت با کتاب و مخالفت با عامه را می‌پذیرد و مطلقات اخبار تخییر را تا همین مقدار تقييد می‌زند.¹⁰ ایشان با این ادعا هم در مقابل ادعای تخییر مطلقا و استحباب ترجیح به مرجحات قرار می‌گیرد و هم در مقابل ادعای لزوم ترجیح به همه مرجحات و البته در مقابل اخبار عرضه و طرح نیز قرار می‌گیرد؛ زیرا در آن اخبار موافقت با کتاب به عنوان تمییز حجت از لاجت است نه سنجه ترجیح و البته به زعم خود همه را حل می‌کند.¹¹ وی سایر ترجیحات مذکور در مقبوله و مرفوعه را غیر مؤثر در لزوم ترجیح می‌بیند و در بخشی از کلام خود می‌فرماید: «ولکنها (درباره مقبوله) بصدرها المشتمل على الترجیح بالصفات من الاعدلية و تالییها مختصة بترجیح الحکمین - نظیر روایتی داود بن الحصین و النمیری - و لاترتبط بمقام ترجیح الروایتین و ان كان الحاکمین [الحاکمان] فی الصدر الاول راوین للاخبار ایضا، لان ترجیح احدهما من حیث الحكومة غیر مرتبط بترجیح من حیث الروایة. و أما بذیلها المشتمل على الترجیح بالشهرة و الشذوذ فهی و ان كان ظاهرة فی وجوب الترجیح بها و لا مجال لتوهم كونها ایضا من مرجحات الحکمین و لکن الاشکال فیها انما هو لعدم كونها بمثل هذا الترجیح معمولا بها عند الاصحاب فی موردها حتی یتعدی منها الی غیر موردها فی مقام الفتوی؛ اذ لیس بناء الاصحاب فی مقام ترجیح احد الحکمین على الرجوع الی مدرکهما، بل الحاکم بعد ما اخذ بالروایة و حکم فی الواقعة على وفق رأیه فی الشبهات الحکمیة کان ذلک متبعا حتی بالنسبة الی مجتهد آخر...».¹² رفتار ایشان حامل نکاتی افزون است؛ لکن عهده‌دار جمع بین اخبار به طور کامل نیست.

9. نهاية الافکار، قسم دوم، از جزء چهارم، ص 184.

10. همان، ص 189.

11. همان، ص 190.

12. همان، ص 190 و 191.